




# U.S.-China Strategic Competition and its Impact on US Indo-Pacific Policy: Strategic Lessons for the Islamic Republic of Iran

## Khalil Ghalkhanbaz

PhD candidate, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran.


Email: Kh.Ghalkhanbaz@ase.ui.ac.ir

 0009-0004-6437-2476

## Enayatollah Yazdani

Corresponding Author, Professor of International Relations, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.


Email: eyazdan@ase.ui.ac.ir

 0000-0001-8087-3431

## Shahrooz Ebrahimi

Associate Professor of International Relations, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Email: sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

 0000-0002-4277-6590

## Abstract

The strategic competition between the United States and China, which had already begun, has become more serious since the beginning of the second decade of the new millennium. This strategic competition, which has had a major influence on US Indo-Pacific policy, has promoted Washington's strategic shift to the Pacific region. To balance China in East Asia, Washington has significantly reduced its presence in many regions of the world, including the Middle East and Europe, and focused on the Indo-Pacific region. This paper aims to examine the impact of strategic competition between the United States and China on US Indo-Pacific policy. The paper seeks to answer this question: how strategic US-China competition has affected U.S. Indo-Pacific policy, regional competition, and Iranian activism? The main hypothesis of this paper is that the US-China strategic competition has led the US to shift its policy focus from West Asia to the Indo-Pacific region and coalitions to prevent China's seizure of power and expand its sphere of influence, and increase regional competition and sinusoidal tensions between the Islamic Republic of Iran and the United States in the Middle East. The methodology used for this paper is qualitative with a descriptive-analytical approach. Library and internet sources are used to collect data and attempt to analyze the sources as well as check the hypothesis theory.

**Keywords:** Indo-Pacific, Strategic Competition, People's Republic of China, USA, and the Middle East.



# رقابت استراتژیک آمریکا و چین و تأثیر آن بر سیاست هندو- پاسیفیک ایالات متحده؛ درس آموخته‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران

## خلیل قلخانباز

دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.


Email: Kh.Ghalkhanbaz@ase.ui.ac.ir

 0009-0004-6437-2476

## عنایت‌الله یزدانی

(نویسنده مسئول)، استاد روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.


Email: eyazdan@ase.ui.ac.ir

 0000-0001-8087-3431

## شهرزاد ابراهیمی

دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

 0000-0002-4277-6590

## چکیده

رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین که از پیش آغاز شده بود، از ابتدای دهه دوم هزاره جدید شکل جدی‌تری به خود گرفته است. این رقابت استراتژیک که تأثیرهای زیادی بر سیاست هندو- پاسیفیک آمریکا داشته است، باعث چرخش استراتژیک واشنگتن به منطقه پاسیفیک شده است. واشنگتن به‌منظور موازنه چین در شرق آسیا، از حضور گسترده خود در بسیاری از مناطق جهان از جمله خاورمیانه و اروپا کاسته، و بر منطقه هندو- پاسیفیک تمرکز کرده است. بنابراین مسئله اصلی این مقاله، «بررسی تأثیر رقابت استراتژیک آمریکا و چین بر سیاست هندو- پاسیفیک ایالات متحده» است. مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که رقابت استراتژیک آمریکا و چین چه تأثیری بر سیاست هندو- پاسیفیک ایالات متحده و رقابت منطقه‌ای و بازیگری ایران داشته است؟ فرضیه اصلی این پژوهش این است که رقابت استراتژیک آمریکا و چین باعث چرخش آمریکا از غرب آسیا به منطقه هندو- پاسیفیک و ائتلاف‌سازی برای جلوگیری از قدرت‌یابی و گسترش حوزه نفوذ چین شده و افزایش رقابت منطقه‌ای و تنش‌های سینوسی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده را در خاورمیانه به دنبال داشته است. همچنین به‌منظور تحلیل منابع و آزمون فرضیه، روش مورد استفاده برای انجام این پژوهش، روش کیفی با رویکرد توصیفی- تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** هندو- پاسیفیک، رقابت استراتژیک، جمهوری خلق چین، ایالات متحده آمریکا، خاورمیانه.

شاپای الکترونیک: ۶۵۴۱-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه روابط خارجی



 10.22034/fr.2024.428449.1468

## مقدمه و بیان مسئله

رقابت استراتژیک آمریکا و چین که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود، از دهه دوم هزاره جدید شکل جدی‌تری به خود گرفته است. پس از پایان یک دهه خوش‌بینی بعد از فروپاشی بلوک شرق، و مقابله با تروریسم، این بار و از آغاز دهه دوم هزاره جدید، دولتمردان آمریکایی مقابله با خیزش چین و قدرت‌یابی این کشور را در دستور کار خود قرار داده‌اند. آمریکا در دوران اوباما، گرایش به سمت شرق آسیا و پاسیفیک را به‌منظور مقابله با چین شروع کرد و این گرایش و چرخش تاکنون و به شیوه‌های مختلف ادامه دارد. باراک اوباما پس از ورود به کاخ سفید یکی از اساسی‌ترین محورهای سیاست خارجی خود را بانام سیاست «آسیا-محور»<sup>۱</sup> به جهان معرفی کرد. در این رویکرد جدید، کشورهای شرق آسیا و منطقه اقیانوس آرام مورد هدف آمریکا در توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار گرفتند. اما از آنجاکه واکنش چینی‌ها را برانگیخت، سیاست «بازموازنه‌سازی»<sup>۲</sup> را جایگزین آن کردند. مهم‌ترین بخش بازموازنه در برابر چین از طریق ابزارهای نظامی انجام می‌پذیرد. در این چهارچوب، آمریکا با رهایی از هزینه‌های نظامی در افغانستان، بر ائتلاف‌های تحت رهبری خود در آسیا- پاسیفیک موسوم به «نظام سانفرانسیسکو»<sup>۳</sup> که ضامن هژمونی سیاسی نظامی آن در این منطقه است، متمرکز می‌شود. واشنگتن با کاهش تعهدات امنیتی فرا مرزی در اروپا و خاورمیانه، به افزایش بودجه و نیروی نظامی و تقویت پیمان‌ها و اتحادیه‌های نظامی در آسیا- پاسیفیک روی آورده است. در این حالت ایالات‌متحده به دنبال موازنه و مهار چین در منطقه هندو- پاسیفیک است و سعی دارد تا با در اولویت قراردادن منطقه هندو- پاسیفیک از خیزش چین جلوگیری نموده و مانع شکل‌گیری نظم جدید در نظام بین‌الملل توسط چینی‌ها شود. از سوی دیگر پاسیفیک‌گرایی آمریکا باعث افزایش رقابت منطقه‌ای و تنش‌های سینوسی بین تهران و واشنگتن در خاورمیانه شده است. تهران که در طول بیش از چهاردهم گذشته دارای رویکرد تقابلی با غرب بوده است، پس از کاهش حضور آمریکا در منطقه، به دنبال افزایش بازیگری خود در منطقه غرب آسیا بوده است. بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که رقابت استراتژیک آمریکا و چین چه تأثیری بر سیاست هندو- پاسیفیک ایالات‌متحده و رقابت منطقه‌ای و بازیگری ایران

1. Asia to Pivot

2. Rebalancing

3. San Francisco System

داشته است؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که رقابت استراتژیک آمریکا و چین باعث چرخش ایالات متحده از غرب آسیا به منطقه هندو- پاسیفیک و ائتلاف‌سازی برای جلوگیری از قدرت‌یابی و گسترش حوزه نفوذ چین در منطقه شده و افزایش رقابت منطقه‌ای و تنش‌های سینوسی بین ایران و آمریکا را در پی داشته است. روش به‌کاررفته در این پژوهش، روش کیفی با رویکرد توصیفی- تحلیلی بوده و ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، تلاش شده تا به تحلیل منابع و آزمون فرضیه پرداخته شود.

### ۱. چهارچوب نظری

برای تبیین رقابت استراتژیک آمریکا و چین، همچنین تأثیر آن بر سیاست هندو- پاسیفیک ایالات متحده، می‌توان از نظریه «نواقع‌گرایی»<sup>۱</sup> استفاده کرد. نظریه نواقع‌گرایی که خود به دو شاخه «تدافعی» و «تهاجمی» تقسیم می‌شود، دیدگاهی ساختاری به رقابت قدرت‌های بزرگ دارد و بر این عقیده است که ساختار نظام بین‌الملل تلاش برای کسب امنیت و یا رقابت بی‌پایان برای افزایش قدرت را به قدرت‌های بزرگ تحمیل می‌کند. این نظریه که دولت را به‌عنوان بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل می‌داند، روایتی قوی از واقع‌گرایی است که می‌گوید تا وقتی نظام بین‌الملل آنارشیک باشد کشمکش بر سر قدرت و امنیت ادامه خواهد داشت ( Talia Fero, 2000, p. 138). شاخه تهاجمی نواقع‌گرایی بیشتر بر افزایش قدرت تمرکز دارد. «جان مرشایمر» و «فرید زکریا» از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نواقع‌گرایی تهاجمی هستند. نو واقع‌گرایان تهاجمی بر این عقیده‌اند که قدرت‌های بزرگ همواره در پی یافتن فرصت‌هایی برای افزایش قدرت خود نسبت به رقبایشان هستند و تبدیل شدن به قدرت هژمون هدف نهایی آن‌ها است.

مرشایمر بر این عقیده است که پنج مفروض باعث گردیده دولت‌ها در پی کسب و افزایش قدرت خویش باشند. مفروض اول آنارشیک بودن نظام بین‌الملل است؛ مفروض دوم این است که قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای حدی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند؛ مفروض سوم این است که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد مقاصد و نیات دولت‌های دیگر مطمئن باشند؛ مفروض چهارم این است که نخستین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ تضمین بقاست؛ و مفروض پنجم این است که

1. Neorealism

قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلانی هستند (مرشایمر، ۱۳۹۶، صص. ۳۳-۳۶). رئالیسم تهاجمی معتقد است هدف نهایی هر قدرت بزرگ، به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی و در نهایت تسلط بر نظام بین‌الملل است. از نظر عملی، این بدان معنی است که قدرتمندترین دولت‌ها به دنبال ایجاد هژمونی در منطقه خود از جهان هستند و در عین حال تضمین می‌کنند که هیچ قدرت بزرگ رقیب بر منطقه دیگری تسلط نیابد (Mearsheimer, 2014). «مرشایمر» مانند «مورگنتا» و برخلاف «والترز» بر آن است که دولت‌ها به دنبال قدرت هستند نه امنیت؛ اما علت را نه در سرشت قدرت طلب انسان که در سطح ساختاری و سرشت آنارشیک نظام بین‌الملل و عدم قطعیت ناشی از آن جستجو می‌کند که به هراس دولت‌ها منجر می‌شود. به عبارتی دولت‌ها همیشه به دنبال هژمونی و در پی سلطه در منطقه خود هستند (مشیرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۵).

رئالیست‌های تهاجمی استدلال می‌کنند که با توجه به فقدان اقتدار مرکزی در سطح جهانی که بتواند توافقات را اجرایی کند، دولت‌ها هرگز نمی‌توانند مطمئن شوند که شرایط مولد صلح در حال حاضر بتواند در آینده نیز عمل کند (اسمیت، هدفیلد و دان، ۱۳۹۵، ص. ۷۲).

مرشایمر معتقد است که دولت‌ها با محیط بین‌المللی نامعینی روبرو هستند که در آن هر دولت ممکن است از قدرت خود برای ضربه‌زدن به دیگران استفاده کند. در نتیجه در چنین شرایطی امنیت ایجاد می‌کند که در مقایسه با دیگر دولت‌ها تا حد ممکن قدرت بیشتری به دست آورند. حداکثر چیزی که یک دولت می‌تواند امیدش را داشته باشد تبدیل شدن خودش به قدرت چیره منطقه و نبود هیچ هژمون منطقه‌ای دیگری در هیچ کجای جهان می‌باشد (گریفیتس، ۱۳۹۴، ص. ۶۰).

وی بر این عقیده است که در نظام بین‌الملل، به جز قدرت حاکم که از توزیع قدرت راضی است، بقیه کشورها وضع موجود را قبول نداشته و به طوری کاملاً طبیعی رویکردی تجدیدنظرطلبانه را از طریق ایجاد موازنه قوا اتخاذ می‌کنند (مرشایمر، ۱۳۹۶، ص. ۲). بنابراین ایالات متحده و جمهوری خلق چین به دنبال حداکثرسازی قدرت خویش در نظام بین‌الملل و جلوگیری از قدرت‌یابی دیگری هستند که باعث شکل‌گیری رقابت استراتژیک بین آن‌ها شده و این رقابت استراتژیک باعث چرخش آمریکا از غرب به شرق آسیا شده است.

## ۲. کاهش حضور ایالات متحده در غرب آسیا و برون‌سپاری اختیارات

رقابت استراتژیک چین و آمریکا باعث گردیده که ایالات متحده تمرکز اصلی خود را بر منطقه هندو- پاسیفیک قرار دهد. بر همین اساس و به منظور تمرکز بیشتر بر پاسیفیک، آمریکا با خروج از افغانستان و کاستن از حضورش در خاورمیانه و برون‌سپاری اختیارات، حضور خود را در شرق آسیا گسترش داده است که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

### ۲-۱. کاهش حضور تدریجی آمریکا در خاورمیانه

چرخش به سمت شرق آسیا برای موازنه چین از یک‌سو، و کاهش نقش و جایگاه غرب آسیا برای واشنگتن از سوی دیگر، باعث کاهش حضور ایالات متحده در خاورمیانه شده است. خاورمیانه به دلایل متعددی از جمله کاهش وابستگی آمریکا به انرژی، اهمیت گذشته خود را برای این کشور از دست داده و عزم واشنگتن برای کاهش حضور نظامی در این منطقه و عدم مداخله در منازعات آن جدی است.

از زمانی که باراک اوباما به سمت آسیا چرخش کرد و تصریح کرد که عربستان سعودی اکنون باید همسایگی خود را با ایران «سهیم» کند، ایالات متحده حضور نیروهای خود را در منطقه کاهش داده و روند جدایی دیپلماتیک را نیز آغاز کرده است (Vakil and Quilliam, 2021). تصمیم اوباما در سال ۲۰۱۵، مبنی بر عدم مداخله در سوریه، نقطه عطفی به سوی جدایی استراتژیک آمریکا از خاورمیانه پس از یک‌دهه غیبت نسبی از منطقه بود (Kempe and Massolo, 2019, p. 11). دونالد ترامپ نیز بر این عقیده بود که با برون‌سپاری اختیارات به کشورهای منطقه خاورمیانه، بتواند به رقابت و موازنه چین بپردازد.

ترامپ ضمن اینکه برای حفظ جایگاه برتر آمریکا در نظام بین‌الملل تلاش می‌کرد، حاضر نبود دولت وی کار ویژه‌های دولت هژمون را در نقاط مختلف جهان از جمله منطقه غرب آسیا برعهده بگیرد و هزینه‌های امنیت بین‌المللی را در این منطقه یک‌تنه بردوش کشد. زمانی که در سپتامبر ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی عربستان حمله شد، ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور وقت آمریکا با حمایت جامعه سیاست خارجی آن کشور تصمیم گرفت به این حملات پاسخ ندهد. این امر چهار دهه سیاست ایالات متحده در جهت دفاع از میادین نفتی خلیج فارس در برابر تهدیدات داخل و خارج از منطقه را تغییر داد (Cook, 2022).

همچنین دلیل اینکه دولت بایدن برخلاف وعده‌های دوران کمپین انتخاباتی، بعد از استقرار در کاخ سفید، سیاست خود را در احیای برجام تا حدی تغییر داد، همین مسئله بود. «جیک سالیوان»<sup>۱</sup>، مشاور امنیت ملی بایدن، کارکنان امنیت ملی را در ادارات خاورمیانه و آسیا تغییر ساختار داده، تیم اختصاص داده‌شده به خاورمیانه را کوچک کرده و واحدی که سیاست‌های ایالات متحده در قبال منطقه وسیع جهان که از اقیانوس هند تا اقیانوس آرام امتداد دارد هماهنگ می‌کند را افزایش داده است. این اقدام نشانه این است که دولت بایدن آسیا را در ابتکارات سیاست خارجی خود در اولویت قرار داده است (Pager and Bertrand, 2021).

«مارتین ایندیک»<sup>۲</sup>، با اشاره به بحران اوکراین و روسیه و نقش آمریکا می‌نویسد: «مواضع متحدان منطقه‌ای آمریکا در قبال بحران اوکراین و حمله روسیه به این کشور، بیانگر میزان تغییری است که در خاورمیانه به دلیل تصمیم اتخاذشده توسط اوپاما و پس از او ترامپ رخ داده و این تصمیم در حال حاضر توسط بایدن نیز دنبال می‌شود و این تصمیم قراردادن منطقه در انتهای فهرست اولویت‌های سیاست خارجی واشنگتن است» (Indyk, 2022).

بنابراین منطقه خاورمیانه به دلایل گوناگونی از جمله کاهش وابستگی واشنگتن به انرژی منطقه، وجود بحران‌های دائمی و رقابت شدید قدرت‌های منطقه‌ای، کاهش نقش و جایگاه مناطق برای قدرت‌های بزرگ در دوران پس از جنگ سرد و تمرکز آمریکا بر منطقه پاسیفیک، ارزش و جایگاه استراتژیک خود را برای ایالات متحده از دست داده است. بر همین اساس است که برخی قدرت‌های منطقه‌ای نیز به دنبال جایگزین کردن منبع تأمین امنیت خویش هستند.

البته در این مسیر هنوز نظم خاصی در منطقه خاورمیانه شکل نگرفته و به نظر می‌رسد دوران گذار منطقه‌ای و سردرگمی و فراز و فرودها در کاهش و یا افزایش تنش‌ها بین قدرت‌های منطقه‌ای سال‌ها طول بکشد. زیرا هنوز سیاست اعمالی توسط برخی قدرت‌های منطقه‌ای در خصوص استقبال از برخی کاهش تنش‌ها دقیقاً مشخص نیست و شاید به دنبال تهییج آمریکا برای صرف نظر کردن از کاهش حضور در منطقه هستند.

---

1. Jake Sullivan  
2. Martin Indyk

## ۲-۲. تلاش برای برون‌سپاری اختیارات در خاورمیانه

یکی دیگر از تبعات ناشی از رقابت استراتژیک آمریکا و چین، احالهٔ مسئولیت به قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و «ایجاد موازنه از راه دور»<sup>۱</sup> توسط واشنگتن است. بازموازنه مبتنی بر موازنه از راه دور است که بر عدم مداخله مستقیم در حاکمیت کشورها، واگذاری امور به بازیگران محلی و مداخله گزینشی تنها در صورت بروز تهدیدی بزرگ از جانب دیگر قدرت‌ها تأکید می‌نماید.

ایالات متحده از سال ۲۰۱۱ به بعد تلاش کرده تا خود را کمتر درگیر بحران‌های دائمی و بدون راه‌حل خاورمیانه نماید. آمریکا سعی داشته تا مسئولیت حفظ نظم و امنیت در منطقه را توسط خود کشورهای منطقه تأمین کند. این موضوع در آخرین سفر اوباما به ریاض و تأکید وی بر مشارکت سعودی‌ها با ایران در حفظ صلح و امنیت در منطقه غرب آسیا به‌وضوح مشخص بود. اوباما در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ نیز با اشاره به تمرکززدایی آمریکا از منطقه غرب آسیا گفت: «کشورهای منطقه باید مسئولیت اصلی حفظ امنیت برای دفاع شخصی خود را، به‌منظور کاهش هزینه‌ها و خطرات مسئولیت‌های امنیتی آمریکا در این منطقه برعهده بگیرند» (Wehrey & Sokolsky, 2015, p. 6).

مرشایمر در این خصوص می‌گوید: «حضور همه‌جانبه در غرب آسیا، دیگر برای آمریکا مقرون‌به‌صرفه نیست. بلکه ایالات متحده باید از روش‌های دیگری برای کنترل فضای منطقه بهره ببرد. یکی از این روش‌ها می‌تواند احاله مسئولیت به متحدین باشد». والت و مرشایمر معتقدند بهترین استراتژی برای آمریکا، اتخاذ «موازنه از راه دور» است. ایالات متحده بایستی اولین اولویت خود را بر تسلط به نیمکره غربی قرار دهد و از دخالت غیرضروری در سایر مناطق جهان خودداری کند. بازیگران محلی بیشترین هزینه و خسارات جنگ‌ها را متحمل می‌شوند و آمریکا با تحمل کمترین هزینه، ضمن برقراری موازنه، وجههٔ ناجی ملت‌ها را کسب می‌کند (Mersheimer & Walt, 2016).

والت بر این عقیده است که استراتژی توازن فراساحلی یا برون‌سپاری اختیارات به‌جای تلاش برای بازسازی جهان درمورد وجهه آمریکا، عمدتاً مربوط به موقعیت آمریکا در توازن قدرت جهانی است و برای جلوگیری از طرح قدرت توسط سایر کشورها به روش‌هایی که ممکن است ایالات متحده را تهدید کند، تمرکز دارد.



بر این اساس، ایالات متحده خواستار استفاده از قدرت خود در خارج از کشور تنها در صورت تهدید مستقیم منافع حیاتی ایالات متحده است (والث، ۱۴۰۰، ص. ۴۸۸). همچنین نوع واکنش مقامات آمریکایی به تحولات سرزمین‌های اشغالی و حمله تل‌آویو به نوار غزه در اکتبر ۲۰۲۳ و تلاش برای جلوگیری از گسترش جنگ، حکایت از این موضوع دارد که ایالات متحده سعی دارد وارد معرکه و درگیری جدیدی خاورمیانه نشود. با این رویکرد است که ایالات متحده سعی دارد تا از حضور خود در مناطقی که امکان تهدید مستقیم و فوری برای آمریکا وجود ندارد، بکاهد. آمریکا در راهبرد کلان خویش در یک دهه اخیر همواره سعی نموده تا خود را از بحران‌های خاورمیانه دور نگه‌دارد و مسئولیت بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای را به کشورهای منطقه واگذار نماید. واشنگتن با نزدیک‌نمودن اعراب و رژیم صهیونیستی در چهارچوب توافق «ابراهیم» سعی در برون‌سپاری اختیارات و استفاده از ظرفیت این کشورها برای موازنه رقبا و دشمنان خود در منطقه داشته است، تا با خیالی راحت‌تر به موازنه چین در پاسیفیک بپردازد. بنابراین اتخاذ سیاست برون‌سپاری اختیارات به کشورهای منطقه از یک‌سو ناشی از تلاش آمریکا برای تمرکز بر رقابت استراتژیک با چین است؛ و از سوی دیگر حاکی از کاهش جایگاه منطقه غرب آسیا برای آمریکا است، تا واشنگتن ضمن بازسازی وجهه خود در منطقه، بر موازنه پکن متمرکز شود.

### ۲-۳. خروج از افغانستان

یکی از چالش‌های قدرت‌های بزرگ، درگیر شدن در چند منطقه در جهان است. دولتمردان آمریکایی در ابتدای هزاره سوم تروریسم را دشمن اصلی واشنگتن معرفی کردند و برای مقابله با آن در نوامبر ۲۰۰۱ به افغانستان و در مارس ۲۰۰۳ به عراق لشکرکشی کردند. حضور دو دهه‌ای ایالات متحده در افغانستان دستاورد چندانی برای غرب نداشت و بسیاری از تحلیل‌گران، چین را برنده حضور طولانی‌مدت آمریکا در افغانستان می‌دانستند. بر همین اساس جو بایدن کمتر از یک سال پس از روی کار آمدن، نیروهای نظامی آمریکایی را از افغانستان خارج کرد تا بتواند به رقابت استراتژیک با چین تمرکز کند. جیک سالیوان مشاور امنیت ملی ایالات متحده در مصاحبه با واشنگتن پست می‌گوید: «بایدن نیروهای آمریکایی را از افغانستان خارج ساخت تا بر تهدیدات کنونی تمرکز کند، نه بر روی مسائل مرتبط با روز پس از حادثه یازدهم سپتامبر» (Ignatius, 2023). تخلیه افغانستان از تغییر سیاست خارجی

آمریکا در جهت تمرکز بر کانون‌های جدید تهدید و کنترل قدرت به‌ویژه چین به‌عنوان اولویت اصلی نشئت می‌گیرد.

خروج از افغانستان امکان تمرکز بر آسیا- پاسیفیک و بسیج منابع برای مقابله با چین را می‌دهد. بر این اساس خروج از افغانستان با این انگیزه به اجرا درآمده که چین هژمون‌شدگی در منطقه را براساس اصل هزینه- فایده بسیار پرهزینه بباید. (اسماعیلی و فراهانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۸).

«استفن والت» در مطلبی بامحوریت خروج آمریکا از افغانستان می‌نویسد: «نباید این‌گونه نتیجه گرفت که ایالات متحده برای جلوگیری از تثبیت هژمونی چین در آسیا یا سرکوب تهاجم روسیه به ناتو نمی‌جنگد. در همه این موارد، منافع حیاتی در میان است که می‌تواند اثرات عمیقی بر امنیت آمریکا داشته باشد» وی با اشاره به خروج آمریکا از ویتنام، می‌آورد: «این خروج به آمریکا اجازه داد که نیروهای متعارفش را در جاهای ضروری‌تر به‌ویژه در اروپا، بازسازی کند و چهارده سال بعد، این اتحاد شوروی بود که به زباله‌دان تاریخ رفت و جهان شاهد سقوط‌های دومینوی در شرق اروپا بود» (Walt, 2021).

بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یکی از پیامدهای رقابت استراتژیک چین و آمریکا، خروج ایالات متحده از افغانستان برای شیف‌ت به منطقه هندو- پاسیفیک بوده است. نای در این خصوص اظهار می‌دارد: «آسیا موازنه قدرت دیرینه خود را دارد که در آن کشورهایی مانند ژاپن، هند و ویتنام نمی‌خواهند تحت سلطه چین باشند و از حضور آمریکا استقبال می‌کنند.» وی ادامه می‌دهد: «وقتی در نظر بگیریم که طی ۲۰ سال پس از خروج غم‌انگیز آمریکا از ویتنام، ایالات متحده در آن کشور و همچنین منطقه مورد استقبال قرار گرفت، استراتژی کلی بایدن منطقی به نظر می‌رسد» (Ney, 2021). بنابراین می‌توان گفت که در قرن پیش‌رو این آسیا است که ساختار نظام بین‌الملل را دچار تغییر و دگرگونی خواهد کرد. خروج ایالات متحده از افغانستان به آمریکا این امکان را می‌دهد که بر استراتژی بزرگ خود برای مقابله و موازنه چین تمرکز کند. لذا هدف اصلی خروج ایالات متحده از افغانستان، دور شدن از جنگ‌های بی‌حاصل و مقابله با تهدیدات جدید علیه این کشور در شرق آسیا است. ایالات متحده می‌داند که منطقه‌ای که در آینده هژمونی آمریکا را به چالش بکشد، منطقه خاورمیانه و یا افغانستان نیست، بلکه چین در منطقه هندو- پاسیفیک خواهد بود. بنابراین خروج از افغانستان و تمرکز بر شرق آسیا این فرصت را در اختیار دولتمردان آمریکایی برای مقابله با رشد فزاینده چین خواهد داد.

### ۳. چرخش به سمت شرق آسیا و گسترش پیمان‌های منطقه‌ای

قدرت‌های بزرگ دائماً در حال رقابت با یکدیگر و افزایش قدرت خویش هستند تا به هژمون منطقه‌ای تبدیل شوند، و همچنین از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای در دیگر مناطق جهان جلوگیری کنند. بنابراین جلوگیری از قدرت‌یابی رقبا در دیگر مناطق هدف اصلی قدرت‌های بزرگ است که یکی از پیش‌نیازهای این اقدام، حضور در منطقه مورد مناقشه به منظور جلوگیری از قدرت‌یابی رقبا و تشکیل اتحادها و ائتلاف‌های نظامی است که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

#### ۳-۱. افزایش نقش و جایگاه آسیا در معادلات جهانی

رقابت استراتژیک چین و آمریکا و حضور پکن در شرق آسیا باعث افزایش نقش و جایگاه این قاره در معادلات جهانی شده است. آنچه مشخص است، این است که در آینده آسیا محل رقابت دو قدرت بزرگ جهانی یعنی آمریکا و چین خواهد بود. چین، ژاپن و هندوستان سه قدرت بزرگ اقتصادی جهانی در قاره کهن واقع شده‌اند و جمعیت چین و هند با یکدیگر قریب ۳ میلیارد نفر است. قاره آسیا در هزاره جدید در حال شکل‌دهی به نظم اقتصادی، سیاسی و امنیتی نظام بین‌الملل است.

«ریچارد هاس»<sup>۱</sup> و «چارلز کوپچان»<sup>۲</sup> در مطلبی در فارین افرز می‌نویسند: «نظام بین‌الملل در نقطه عطف تاریخی قرار دارد. درحالی‌که آسیا به صعود اقتصادی خود ادامه می‌دهد، دو قرن سلطه غرب بر جهان در حال پایان است. چین در حال ظهور با کمک روسیه در تلاش است تا اقتدار غرب و رویکردهای جمهوری‌خواهی را نسبت به حاکمیت داخلی و بین‌المللی به چالش بکشد» (Hass and Kupchan, 2021).

بایدن با نشان‌دادن تمرکز خود بر آسیا و کنارگذاشتن اروپایی‌ها نشان‌داد که در حال چرخش به سمت پاسیفیک است. او قصد دارد اتحادهای کوچک‌تر و منطقه‌ای متمرکز بر منافع ایالات متحده را رهبری کند. در نشست سران چهار کشور ایالات متحده، انگلستان، ژاپن و هند موسوم به «کوآد»<sup>۳</sup> در کاخ سفید و پس از نشست مجمع عمومی در سپتامبر ۲۰۲۱ رهبران این چهار کشور در بیانیه‌ای اعلام کردند: «اجلاس چهارگانه فرصتی است برای تمرکز مجدد بر روی اقیانوس هند و اقیانوس آرام و چشم‌اندازمان برای آنچه امیدواریم به آن برسیم.»

1. Richard N. Haass

2. Charles A. Kupchan

3. The Quadrilateral Security Dialogue (QSD or QUAD)

«جوزف بورل»<sup>۱</sup> پس از نشست چهارجانبه کشورهای مذکور گفت: «فقدان ارتباطات و رویارویی بین شرکای نزدیک مشکلات واقعی را ایجاد کرده است و این تصویر خوبی از هماهنگی بین متحدان قوی منعکس نمی‌کند و برای غرب خوب نیست.» این سخنان حکایت از ناخرسندی مقامات اروپایی در قبال رویکرد جدید آمریکا در خصوص نگاه به شرق و پیمان بین برخی کشورهای انگلیسی‌زبان از قبیل پیمان آکوس دارد (Herszenhorn and Cerulus, 2021).

روزنامه نشنال اینترست با انجام یک نظرسنجی از تعدادی از کارشناسان به این نتیجه رسیده که جنگ سردی بین چین و آمریکا در راه است. اما جنگ، «سرد» خواهد ماند، زیرا هیچ‌یک از طرفین به دنبال رویارویی مستقیم نظامی یا تسخیر نیستند. در واقع، جنگ سرد ایالات متحده و چین عمدتاً در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و سیاسی به راه خواهد افتاد. اگرچه پکن به دنبال هژمونی جهانی، ریشه‌کن کردن دموکراسی یا نابودی سرمایه‌داری نیست، اما به دنبال مشروعیت جهانی برای مدل حکومتی خود از «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» است. چین همچنین به دنبال به حداکثر رساندن ثروت، قدرت و نفوذ خود، به‌ویژه نسبت به آمریکا است (Heer, 2021). در هزاره جدید جایگاه آسیا در معادلات جهانی افزایش یافته و این منطقه به محل رقابت استراتژیک چین و آمریکا تبدیل شده است. بنابراین ایالات متحده سعی دارد تا با کاهش حضور خود در دیگر مناطق جهان، تمرکز اصلی خود را به منظور مقابله با چین بر شرق آسیا و منطقه هندو- پاسیفیک قرار دهد. افزایش نقش و جایگاه آسیا در معادلات آینده جهانی، بیش از دیگر عوامل مؤثر بر رقابت استراتژیک چین و آمریکا باعث چرخش به شرق، واشنگتن شده است. دولتمردان آمریکایی بر این عقیده‌اند که هژمون جهانی شدن بدون حضور مؤثر در آسیا امکان ادامه نخواهد داشت و بر این اساس از آغاز دهه دوم هزاره جدید به انحاء گوناگون سیاست گرایش به شرق برای رقابت استراتژیک با چین توسط همه رؤسای جمهور ایالات متحده ادامه یافته است.

### ۲-۳. گسترش پیمان‌های امنیتی دوجانبه و یا چندجانبه در شرق آسیا

از اواخر دوران ریاست جمهوری جرج بوش تا دوران جو بایدن، ایالات متحده سعی در گسترش پیمان‌های امنیتی دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه شرق آسیا و

1. Josep Borrell

هم‌پیمانان خود در این منطقه کرده است. در آخرین سند استراتژی امنیت ملی آمریکا در خصوص اتحادسازی آمده است: «اتحادها و مشارکت‌های ما در سرتاسر جهان مهم‌ترین دارایی استراتژیک ما و عنصری ضروری است که به صلح و ثبات بین‌المللی کمک می‌کند؛ ناتوی قوی و یکپارچه، اتحادهای ما در اقیانوس هند و اقیانوس آرام، و مشارکت‌های امنیتی سنتی ما در جاهای دیگر نه تنها از تجاوز جلوگیری می‌کند، بلکه آن‌ها بستری را برای همکاری سودمند متقابل فراهم می‌کنند که نظم بین‌المللی را تقویت می‌کند» (NSS, 2022, p. 11). یکی از اقدامات آمریکا برای اتحادسازی، «گفتگوهای امنیتی چهارگانه» موسوم به کواد میان آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا است که از سال ۲۰۰۷ آغاز شده و در دوران بایدن نهادینه‌تر شده و در چهارچوب آن همکاری‌های نظامی اعضا در زمینه‌های مختلف ارتقا می‌یابد و درنهایت، همچون یک‌نهاد نظامی برمقابله با هژمونی اقتصادی و نظامی چین در منطقه تمرکز می‌کند (Speers, 2021).

این ائتلاف در جلسه‌ای رسمی در نوامبر ۲۰۱۷ بین چهار کشور فوق در مانیل پایتخت فیلیپین در قالب هفت موضوع اصلی شامل: «نظم مبتنی بر قوانین آسیا»، «آزادی دریانوردی»، «احترام به قوانین بین‌المللی»، «افزایش پیوستگی»، «امنیت دریایی»، «تهدید کره شمالی» و «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم» دوباره موجودیت پیدا کرد (کشوربان آزاد و میرترابی، ۱۴۰۱، ص. ۳۴).

همچنین در سال‌های اخیر بر تعداد پیمان‌های چندجانبه تحت رهبری ایالات‌متحده در این منطقه افزوده شده و این بیانگر تمایل آمریکا به برجسته‌سازی نقش هند به‌عنوان رقیب اصلی چین و همچنین گسترده‌سازی ماتریس استراتژیک هندو- پاسیفیک است تا شامل کشورهای دیگری که عضو کواد نیستند و در موازنه چین منافع مشترک دارند، هم بشود (Rajagopalan, 2021).

توافق امنیتی سه‌جانبه بین استرالیا، انگلیس و آمریکا موسوم به «آکوس»<sup>۱</sup> نیز با تمرکز بر تقویت توانمندی نظامی استرالیا، اساساً به دنبال به موازنه‌سازی جمهوری خلق چین بوده و بخشی از ائتلاف‌سازی‌های امنیتی چندجانبه آمریکا در منطقه هندو- پاسیفیک است. نیویورک تایمز در مطلبی می‌نویسد: «بدون تردید، پژواک رفتارهای دوران جنگ سرد دهه ۵۰ میلادی طنین‌انداز شده است؛ چین با سرعت برنامه فضایی خود را گسترش می‌دهد و آزمایش موشک‌های مافوق صوت را

برای شکست دفاع موشکی آمریکا تسریع می‌کند. در همین بحبوحه، آمریکا نیز با بستن پیمان آکوس با انگلیس و استرالیا، اعلام کرد که فناوری زیردریایی هسته‌ای را در اختیار استرالیا قرار می‌دهد. با این چشم‌انداز که زیردریایی‌های آن امکان اکتشاف در سواحل چین را بدون امکان شناسایی شدن داشته باشند. چینی‌ها هم به خوبی آگاه هستند آخرین باری که ایالات متحده چنین فناوری را با یک کشور دیگر به اشتراک گذاشت، سال ۱۹۵۸ در بحبوحه جنگ سرد با شوروی بود و کشور مشتری این فناوری انگلیس (Sanger, 2021).

چین علیه پیمان آکوس به شدت واکنش نشان داده و آن را موجب شکل‌گیری جنگ سرد جدیدی در دنیا نامیده است. هدف این پیمان مشغول و درگیر کردن چین در همان محدوده سرزمینی خودش است تا مانع پیش‌روی‌های روزافزون اقتصادی-سیاسی و سپس نظامی آن در نقاط مختلف دنیا شود و به این شکل جایگاه ابرقدرتی آمریکا را در دنیا تهدید نکند.

استولتنبرگ دبیرکل ناتو در گفت‌وگو با رویترز در سیدنی و در نشست اعضای ناتو گفت: «این به معنای انتقال ناتو به اقیانوس آرام نیست، بلکه پاسخ‌دادن به این واقعیت است که چین به ما نزدیک‌تر می‌شود.» وی در ادامه گفت: «بنابراین همه این‌ها رسیدگی ناتو به ظهور چین را مهم می‌سازد، و ما این کار را با همکاری نزدیک با شرکای خود در این منطقه -استرالیا، نیوزلند، ژاپن و کره جنوبی- انجام می‌دهیم» (Mair and Packham, 2019).

«سایمون تیس‌دال»<sup>۱</sup> در نوشتاری در گاردین با عنوان: «بایدن در متحد کردن هم‌پیمانان علیه چین شتاب دارد؛ می‌داند که دیر یا زود یک انفجار رخ می‌دهد»<sup>۲</sup> نوشت: «در واشنگتن به‌طور کلی پذیرفته شده که امید به ظهور یک چین آزاد دموکراتیک که در ابتدا از سفر ۱۹۷۲ ریچارد نیکسون سر برآورد، بدون هیچ رد و نشانی از بین رفته است. حکومتی که اکنون با الفاظ یک «رقیب نظام‌مند»، «رقیب راهبردی» یا مستقیماً به‌عنوان «تهدید» توصیف می‌شود؛ دیر یا زود انفجاری اتفاق خواهد افتاد» (Tisdall, 2021).

همچنین ایالات متحده برای مقابله با چین، پیمان‌های امنیتی دوجانبه‌ای را با برخی کشورهای منطقه شرق آسیا از قبیل کره جنوبی و ژاپن بسته است، تا حضور خود را در منطقه شرق آسیا نهادینه و نظام‌مند نماید. ایالات متحده سعی دارد تا از

1. Simon Tisdall

2. Biden races to unite allies against China knowing sooner or later an explosion will occur

ظرفیت و توان هم‌پیمانان منطقه‌ای خود برای موازنه و مقابله با چین استفاده نماید. در این وضعیت به مرور متحدان جدید جایگاه بالاتری در سیاست خارجی و منطقه‌ای آمریکا پیدا خواهند کرد.

آمریکا با اتحادسازی ائتلاف‌سازی در منطقه هندو- پاسیفیک در مسیر تقابل جدی و طولانی با چین قرار دارد و شاید بتوان گفت به دنبال تکرار سیاست «سد نفوذ»<sup>۱</sup> دوران جنگ سرد در قبال چین است، تا کمونیست‌های چین را مانند کمونیست‌های اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد که با پیمان‌های ناتو، سنتو و سیتو مهار کرد، مهار و کنترل نماید.

#### ۴. تلاش برای مقابله با نفوذ چین در منطقه پاسیفیک و جلوگیری از شکل‌گیری جهان چندقطبی

با گسترش رقابت استراتژیک چین و آمریکا، مقابله با گسترش نفوذ پکن و تلاش برای جلوگیری از شکل‌گیری جهان چندقطبی در دستور کار دولتمردان آمریکایی قرار گرفت. چین در سال‌های اخیر به قدرت اول منطقه پاسیفیک تبدیل شده و سعی دارد نفوذ و حضور آمریکا را در منطقه شرق آسیا محدود کند. به نظر می‌رسد پکن همانند ایالات متحده در قرن ۱۹ که عقیده داشت «آمریکا برای آمریکاییان و اروپا برای اروپاییان»، به دنبال پیگیری این سیاست است که «آسیا برای آسیایی‌ها» و لذا سعی دارد نفوذ خود را تا حد امکان در منطقه پاسیفیک افزایش دهد و این رویکرد باعث نگرانی غرب و آمریکا شده است و دولتمردان کاخ سفید سعی دارند تا با چرخش به شرق، هم از نفوذ و سلطه چین بر این منطقه جلوگیری نمایند و هم مانع شکل‌گیری نظم جدیدی با محوریت چین در نظام بین‌الملل شوند که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

#### ۴-۱. مقابله با گسترش نفوذ چین در منطقه پاسیفیک

رنالیست‌های تهاجمی بر این عقیده‌اند که درگیری و جنگ بین قدرت‌های بزرگ دائمی است و هدف قدرت‌های بزرگ بیشینه‌سازی قدرت است و نه تأمین امنیت. مرشایمر بر این عقیده است که اگر چین ثروتمند شود طرفدار حفظ وضع موجود نخواهد بود، بلکه رفتار تهاجمی در پیش گرفته و سعی می‌کند به هژمون منطقه

تبدیل شود. این به دلیل شرور و یا قدرت طلب بودن چین نیست بلکه به این دلیل است که بهترین راه برای به حداکثر رساندن تضمین بقا و امنیت برای یک دولت آن است که هژمون منطقه خودش باشد (مرشایمر، ۱۳۹۶، ص. ۴۲۴). آمریکا از دوره اوباما دریافت که چین در حال حرکت برای تسخیر جایگاه ابرقدرتی آمریکاست و اگر با آن برخورد نشود، به تدریج آمریکا را در نظام بین الملل به زیر خواهد کشید. اوباما استراتژی «چرخش به شرق» را مطرح و دنبال کرد و پایه گذار دورانی جدید در نظام بین الملل و روابط دو کشور آمریکا و چین شد. در دوره ترامپ نیز کاهش هزینه های ایالات متحده برای تأمین امنیت دیگران و حتی متحدان آمریکا و تقابل و تنش با چین دنبال شد. ترامپ بر این عقیده بود که هزینه های سرسام آور ایالات متحده در خاورمیانه دستاورد چندانی برای واشنگتن نداشته است و در عوض چین و برخی قدرت های دیگر از این سیاست آمریکا سود برده اند. اما با پیروزی بایدن استراتژی آمریکا، بستن تمام پرونده های باز آمریکا در مناطق دیگر از جمله افغانستان بود تا هر چه سریع تر به مهار چین بپردازد.

چین با تمرکز بر رشد اقتصادی و ترس از رانده شدن توسط جامعه بین الملل، استراتژی «خیزش مسالمت آمیز» را اتخاذ کرد و در وهله نخست بر قدرت اقتصادی برای پیشبرد منافع خود تکیه کرد و عموماً از شعار «دنگ شیائو پینگ» رهبر اسبق چین پیروی کرد: «قدرت خود را پنهان کرده و صبر کنید تا زمان مناسب فرارسد» (Beckley, 2022). هنری کیسینجر نسبت به احتمال بودن درگیری نظامی بین چین و آمریکا بر سر تایوان هشدار داده و می گوید: «در مسیر کنونی روابط چین و آمریکا، من فکر می کنم درگیری نظامی محتمل است.» وی در ادامه می گوید: «اعتقاد دارم جنگ بین این دو ابرقدرت قابل برد نیست و یا طرف برنده در آن متحمل هزینه های خارج از تناسب با این برد خواهد شد» (Wadhams, 2023).

«استفان روچ»<sup>۱</sup> در مطلبی با اشاره به نزدیکی چین و روسیه می نویسد: «نمی توان شک داشت که چین مثلث سازی را به عنوان یک بازی استراتژیک احیا کرده است و این بار آمریکا همانی است که مثلث سازی شده است.» وی در این مطلب با اشاره به نزدیکی چین و روسیه می نویسد: «نزدیک شدن به یک رقیب برای منزوی کردن دیگری، بازی استراتژیک آمریکا در جنگ سرد اول بود؛ در جنگ سرد دوم، چین بازی مشابه آمریکا در جنگ اول را پیش می برد. هم زمانی چین و روسیه می تواند

1. Stephen Roach



توازن قدرت جهانی را تغییر دهد؛ این به یک پایان بازی نگران‌کننده اشاره می‌کند.» در ادامه این مطلب آمده است: «شی و پوتین هر دو متقاعد شده‌اند که ایالات متحده به دنبال مهار خیزش ظاهراً صلح‌آمیز آن‌هاست، لذا تردیدی وجود ندارد که چین و روسیه اتحاد در برابر آمریکا را به‌عنوان یک بازی استراتژیک پذیرفته‌اند» (Roach, 2022). در همین‌راستا در آخرین سند استراتژی امنیت ملی آمریکا در خصوص چین آمده است: «چین تنها رقیبی است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای پیشبرد این هدف را دارد» (NSS, 2022, p. 8).

چین به پشتوانه قدرت اقتصادی خود، درصد تدارک ارتشی است که قادر به اجرای عملیات راهبردی به‌عنوان نیروی ضد دسترسی و منع منطقه‌ای باشد؛ نیرویی که می‌تواند از دخالت آمریکا در جنگی که شامل تایوان است جلوگیری کرده یا رسیدن نیروهای آمریکایی را به تأخیر انداخته یا تأثیر دخالت نیروی دریایی و هوایی آمریکا را کاهش دهد (نجفی سیار، ۱۴۰۱، ص. ۲۵۵). چین با اختصاص ۲۹۲ میلیارد دلار بودجه نظامی در سال ۲۰۲۲، دومین بودجه بزرگ جهان را به خود اختصاص داده است. این رقم ۴.۲ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ و ۶۳ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۳ بوده است (SIPRI, 2023). فاراه استاکمن در مطلبی با عنوان «چین برخاسته و تشنه رقابت است»، در نیویورک تایمز می‌نویسد: «انتظار می‌رود اقتصاد چین در سال ۲۰۲۸ از اقتصاد آمریکا بزرگ‌تر شود. چین در حال سرمایه‌گذاری برای بالا بردن قدرت نظامی خود است و نخستین پایگاه نظامی خارجی خود را در جیبوتی تأسیس کرده است» (Stockman, 2021). قدرت مادی فزاینده چین در واقع تعادل ظریف منطقه را بی‌ثبات کرده و ماجراجویی سرزمینی پکن را جسورتر کرده است. رفتار چین بدون کنترل می‌تواند به صلح طولانی منطقه پایان دهد. پکن بیش از مجموع همسایگان هند و اقیانوسیه خود برای ارتش خود هزینه می‌کند. چین روی سلاح‌های ضد دسترسی/ منع منطقه (شامل موشک‌های مافوق صوت و مین‌های هوشمند) سرمایه‌گذاری کرده است که امکان مداخله منطقه‌ای ایالات متحده را تهدید می‌کند. این کشور همچنین روی قابلیت‌های نظامی خود سرمایه‌گذاری کرده است که پکن می‌تواند برای مأموریت‌های تهاجمی علیه هند، ژاپن، تایوان، ویتنام و دیگران استفاده کند (Campbell and Doshi, 2021).

بنابراین هدف اصلی ایالات متحده با شیفت به منطقه هندو- پاسیفیک سعی در جلوگیری از افزایش مؤلفه‌های قدرت چین را دارد. زیرا چین در آینده‌ای نه‌چندان

دور اقتصاد اول دنیا خواهد شد و پس از آن و در سایه رشد اقتصادی می‌تواند بودجه نظامی خود را افزایش داده و در حوزه نظامی نیز رقیب جدی‌تری برای غرب و آمریکا باشد. به نظر می‌رسد چین سعی دارد تا اولاً، مانع حضور گسترده‌تر ایالات متحده در منطقه پاسیفیک شود و بتواند خود ابتدا به هژمون منطقه‌ای تبدیل شود. ثانیاً بتواند با حرکت به سمت غرب آسیا و نقش‌آفرینی در این منطقه به هژمون جهانی تبدیل شود. بر همین اساس است که نقش‌آفرینی پکن در کاهش تنش در روابط بین ایران و عربستان سعودی را می‌توان در راستای نقش‌آفرینی جدید جهانی پکن قلمداد نمود. زیرا چین به کاهش تنش‌ها در روابط دو قدرت بزرگ منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان سعودی نیاز دارد، و از سوی دیگر سعی دارد تا پرونده‌ای مهم و بزرگ را با میانجیگری خویش به سرانجام نهایی برساند.

#### ۴-۲. تلاش برای مقابله با حرکت جهان به سمت نظام چندقطبی

پس از جنگ جهانی دوم، کمتر منطقه و یا ناحیه‌ای در جهان بود که از نفوذ و حضور ایالات متحده بی‌نصیب بماند. از خاور دور تا خاورمیانه (غرب آسیا) و خاور نزدیک و تا اروپا و آمریکای جنوبی تحت سیطره و نفوذ واشنگتن بود. اما به دلایل گوناگونی از جمله با قدرت‌یابی رقبای و کاهش برخی مؤلفه‌های قدرت ایالات متحده، جهان در مسیر چندقطبی شدن قرار گرفته است.

فرانسیس فوکویاما در مطلبی و پس از خروج آمریکا از افغانستان در خصوص پایان دوران آمریکا، می‌نویسد: «تصاویر هولناک افغان‌های مأیوس که سعی داشتند پس از سقوط دولت مورد حمایت ایالات متحده از کابل خارج شوند، به موازات روی‌گردانی آمریکا از جهان، نقطه عطفی بزرگ در تاریخ جهان ایجاد کرد. حقیقت امر این است که پایان دوران آمریکا خیلی زودتر فرارسیده است» (Fukuyama, 2021). از سوی دیگر مقامات چینی نیز دریافته‌اند که قدرت آمریکا همچون گذشته نیست و این کشور توان تأثیرگذاری دوران پس از جنگ جهانی دوم را ندارد و جهان در مسیر چندقطبی و یا حداقل دوقطبی قرار گرفته است. بر همین اساس است که دولتمردان چینی بر این عقیده‌اند که الان زمان مناسبی برای حاکم نمودن نظم مورد دلخواه چین در جهان است. لذا به نظر می‌رسد پکن در حال آماده شدن برای یک مبارزه طولانی مدت با ایالات متحده در حال زوال اما همچنان خطرناک است (Hass, 2021).

«اولاف شولتس»<sup>۱</sup> صدراعظم آلمان در مطلبی در نشریه فارین افرز نسبت به شکل‌گیری جنگ سرد جدیدی در جهان هشدار داده است. شولتس می‌نویسد: «مشارکت ترانس آتلانتیک برای مقابله با چالش تهدید روسیه، حیاتی است و چرخش چین به سمت انزوا و رویکرد این کشور نسبت به تایوان مستلزم تشکیل شراکت‌های جدید و قوی‌تر اروپا و آمریکای شمالی با کشورهای سراسر جهان است» (Scholz, 2023).

«مروان معاشر»<sup>۲</sup> وزیر خارجه پیشین اردن در اکونومیست می‌نویسد: «پایان دوران تک‌قطبی آمریکا قرار بود دیر یا زود فرا برسد، که ظاهراً فرارسیده است» (Muasher, 2021).

«استفن والت» نیز در خصوص جنگ اوکراین و پایان «لحظه تک‌قطبی» می‌نویسد: «جنگ در اوکراین یک رویداد مهم است، اما نه به این دلیل که نتیجه آن تأثیر مستقل چشمگیری بر توازن جهانی قدرت یا محیط هنجاری‌ای که دولت‌ها ساخته‌اند و گاهی اوقات به آن پایبند هستند، خواهد داشت؛ بلکه مهم است زیرا نشان‌دهنده پایان «لحظه تک‌قطبی» کوتاه (۱۹۹۳-۲۰۲۰) است که طی آن ایالات متحده آمریکا تنها ابرقدرت واقعی جهان بود.» در ادامه آمده است: «این جنگ، نشانگر پایان رسمی دوران کوتاه «شبه صلحی» است که پس از جنگ سرد بر جهان حاکم شد.» وی در ادامه می‌نویسد: «جهان آینده به یک «دوقطبی» واقعی نزدیک‌تر خواهد بود تا به یک «چندقطبی ناموزون» (Walt, 2022).

بنابراین ایالات متحده برای جلوگیری از شکل‌گیری جهان دوقطبی و یا چندقطبی به منطقه شرق آسیا و پاسیفیک چرخش داشته است تا همچنان براساس نظریه نئورئالیسم تهاجمی رقابت قدرت‌های بزرگ پایدار باشد و قدرت‌های بزرگ دائماً در حال نزاع و درگیری بوده و در پی افزایش قدرت خویش تا سرحد امکان باشند. زیرا براساس نظریه رئالیسم تهاجمی، تأمین امنیت هدف نهایی قدرت‌های بزرگ نیست و این قدرت‌ها تا سرحد امکان به دنبال افزایش قدرت خویش و هژمون شدن در منطقه و سپس در نظام بین‌الملل هستند و نظام چندقطبی و یا دوقطبی مانع مهمی در مقابل هژمون شدن است.

1. Olaf Scholz

2. Marwan Muasher

## ۵. افزایش رقابت‌های منطقه‌ای و افزایش تنش‌های سینوسی بین ایران و آمریکا

رقابت استراتژیک آمریکا و چین بر تحولات منطقه غرب آسیا تأثیرات بسیاری دارد. یکی از این تأثیرها افزایش رقابت‌های منطقه‌ای و افزایش تنش‌های سینوسی بین ایران و آمریکا بوده است که در ادامه به این دو شاخص اشاره خواهد شد.

### ۵-۱. افزایش رقابت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا

گسترش اتحادسازی و ائتلاف‌سازی، در سایه احساس تهدید دائمی از سوی رقبای منطقه‌ای ناشی می‌شود. والت استدلال می‌کند که ائتلاف‌های موازن در قبال تهدید شکل می‌گیرند؛ تهدیداتی که می‌تواند از قدرت، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت توسعه‌طلبانه و تهاجمی نشئت بگیرند. موارد یادشده به‌مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شوند که تغییر در هریک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند (لیتل، ۱۳۸۹ ص. ۳۲).

والت، پتانسیل تهدیدزایی را بافاصله جغرافیایی در رابطه‌ای معکوس می‌داند. دولت‌های مجاور قادر به ایجاد تهدیدات بزرگ‌تری هستند (لیتل، ۱۳۸۹، ص. ۳۴). بر این اساس می‌توان گفت که چون بازیگران اصلی منطقه در چندمحور متضاد تعریف می‌شوند، منطقه دائماً در حال ائتلاف‌سازی و همچنین رقابت‌های چندلایه و گسترده است. بازیگران اصلی جنگ در خاورمیانه عبارت‌اند از: چهار کشور ترکیه، ایران، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی (Al-Rawahi, 2020).

تعدد بازیگران اصلی و نفوذی، همچنین وجود منافع متقاطع و متعارض بازیگران مذکور باعث گسترش رقابت‌های چندلایه و اتحادسازی و ائتلاف‌سازی‌های دائم به‌منظور مقابله با یکدیگر است. عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵ به بعد دو ائتلاف علیه ایران یا متحدان منطقه‌ای آن ایجاد کرده است، که عبارت‌اند از: ائتلاف مارس ۲۰۱۵ علیه یمن (با هدف کنارزدن انصار الله از قدرت) و ائتلاف نظامی-اسلامی جنگ علیه تروریسم در دسامبر ۲۰۱۵ که ۴۱ عضو دارد.

در همین حال، عربستان سعودی تلاش می‌کند «ناتوی عربی» را نیز شکل دهد که آمریکا نیز از آن حمایت می‌کند و در سفر ماه مه ۲۰۱۷ دونالد ترامپ به عربستان سعودی، گام نخست آن برداشته شد. موضوع تشکیل ناتوی عربی برای اولین بار در بیست و ششمین نشست سران اتحادیه عرب در شرم‌الشیخ مصر در

فروردین‌ماه سال ۱۳۹۴ مطرح شد. برخی ایده تشکیل ناتوی عربی را به دکترین امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۵ یعنی «استقلال در دفاع از خود» مرتبط می‌دانند که اوپاما در این دکترین اعلام کرد کشورهای منطقه می‌بایست خود تأمین امنیت خویش را برعهده بگیرند. چهار کشور اولیه تشکیل‌دهنده ناتوی عربی یا سنی شامل: عربستان سعودی، مصر، اردن و امارات متحده عربی هستند (Rogin, 2017).

«آندری کورتونوف»<sup>۱</sup> در این خصوص می‌گوید: «مفهوم ناتوی عربی با حمایت آمریکا و هدف قراردادن ایران ممکن است به‌رغم خروج ترامپ از کاخ سفید در واشنگتن محبوب بماند». باین‌حال، این احتمال وجود دارد که این مفهوم موفق‌تر از «خاورمیانه بزرگ‌تر» نباشد (Kortunov, 2021, p. 40). ولی نصر در مطلبی با اشاره به اینکه رقابت در منطقه دیگر جنبه ایدئولوژیکی و مذهبی ندارد، می‌نویسد: «کشورهای عرب از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و در پی ناکام ماندن بهار عربی، گرفتار هرج‌ومرج و رخوت شده‌اند؛ لذا رقابتی که احتمالاً منجر به تغییر در خاورمیانه شود، دیگر نه در بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی یا بین سنی و شیعه، که در بین این سه رقیب غیر عرب است، یعنی ایران، رژیم صهیونیستی و ترکیه». وی در ادامه می‌نویسد: «رقابت‌های درحال ظهور برای قدرت و نفوذ به‌اندازه‌ای شدید شده است که نظم پس از جنگ جهانی را مختل کرده است» (Nasr, 2021).

منطقه غرب آسیا دوران گذار خویش را طی می‌کند و در این دوران، هریک از قدرت‌های منطقه‌ای به دنبال افزایش اتحادسازی و ائتلاف‌سازی و افزایش نفوذ و حضور خود در منطقه هستند. شکل‌گیری این وضعیت در منطقه باعث تلاش کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران برای افزایش قدرت و توان نظامی و محورسازی شده است، زیرا تهران همواره خود را در یک «تنهایی راهبردی»<sup>۲</sup> احساس کرده که در آن کشورهای منطقه به ایران از جنبه تهدید نگاه می‌کنند. بر همین‌اساس ایران برای جبران تنهایی راهبردی و برای ایجاد بازدارندگی در مقابل کشورهای رقیب در منطقه به سمت توانمندی هسته‌ای حرکت کرده است. استفن والت در این خصوص می‌نویسد: ترس از «تغییر رژیم» به رهبری ایالات‌متحده، ایران را تشویق کرد تا به دنبال یک توانایی پنهان تسلیحات هسته‌ای باشد که منجر به افزایش مداوم ظرفیت غنی‌سازی و تحریم‌های شدیدتر ایالات‌متحده و سازمان ملل

1. Andrey Kortunov

2. Strategic Loneliness

شد (Walt, 2023). بنابراین غالب شدن اتحادسازی و ائتلاف‌سازی در منطقه را می‌توان اولین درس آموخته راهبردی جمهوری اسلامی ایران از رقابت استراتژیک چین و آمریکا دانست.

## ۵-۲. افزایش تنش‌های سینوسی بین ایران و آمریکا

واشنگتن در طول بیش از یک‌دهه گذشته به دنبال حل‌وفصل نهایی موضوع ایران در منطقه بوده تا بتواند با خیالی راحت‌تر حضور خود در منطقه غرب آسیا را کاهش دهد. این تلاش ایالات متحده باعث گردیده که به چند دلیل تنش‌ها بین تهران و واشنگتن افزایش یابد. اولاً، ایالات متحده هیچ‌گاه هژمون منطقه‌ای شدن ایران را نپذیرفته و لذا مسیر حل‌وفصل پرونده ایران توسط آمریکا همواره مسیری بوده که تهران را تحت فشار قرار می‌داده است؛ دوماً، دولتمردان ایران وقتی که سیگنال‌های کاهش حضور آمریکا در منطقه را دریافت کرده‌اند، به دنبال افزایش نقش و بازیگری خود در منطقه بوده‌اند، که این موضوع موجب افزایش تنش بین ایران و آمریکا و بین ایران و محور عربی-عبری گردیده است. از سوی دیگر برخی اقدامات آمریکا برای حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران، باعث نگرانی کشورهای عرب منطقه شده است؛ زیرا کشورهای عربی دستیابی ایران به دانش هسته‌ای را تهدیدی علیه خود می‌دانند و معتقدند دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای امکان جاه‌طلبی‌های هژمونیک گسترده‌تری به ایران برای تغییر موازنه در منطقه خواهد داد؛ از این‌رو، کشورهای عربی هم از زمان شروع مذاکرات هسته‌ای منتهی به توافق برجام و هم بعد از روی کار آمدن بایدن و آغاز روند احیای برجام پیشنهادهای گوناگونی را برای دور کردن آمریکا از توافق با ایران ارائه کرده‌اند (ارغوانی پیرسلامی و آرایش، ۱۴۰۱، ص. ۲۴). سوماً، آمریکا خصوصاً در دوران ترامپ برای حل‌وفصل موضوع ایران به دنبال فشار حداکثری و تغییر رژیم بود که این موضوع نیز موجب افزایش بیشتر تنش‌ها بین تهران و واشنگتن شده که برخی از آثار آن همچنان ادامه دارد.

«مارکو کارنلوس»<sup>۱</sup>، سفیر اسبق ایتالیا در سازمان ملل و عراق در میدل ایست آی می‌نویسد: «جدایی ایالات متحده از منطقه، چه واقعی و چه تصور شده، در حال گسترش این نگرانی است که خلأ قدرت به وجود آمده چگونه پر می‌شود. تاکنون، تنها نهادی که به اندازه کافی سازمان‌دهی شده و مصمم برای انجام این کار است،

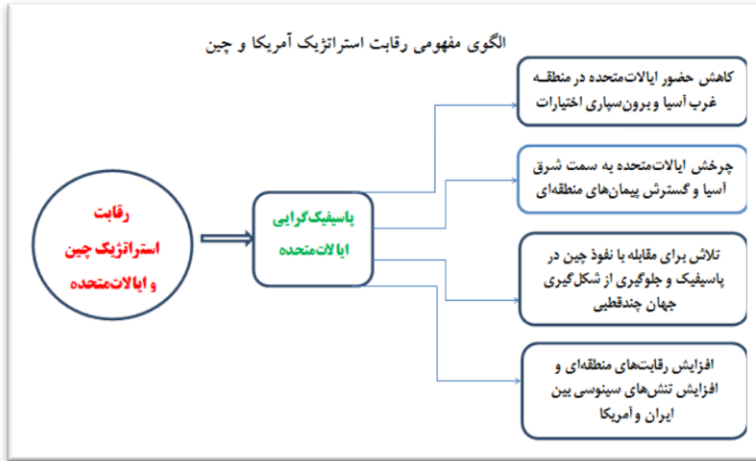
1. Marco Carmelos

به نظر می‌رسد محور مقاومت باشد؛ ایران و متحدان منطقه‌ای آن، از جمله سوریه، حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و شبه نظامیان شیعه در عراق» (Carnelos, 2021). «آرون دیوید میلر» در مطلبی در فارین پالیسی می‌نویسد: «اگر در واشنگتن در مورد سیاست خارجی اجماعی وجود داشته باشد، این اجماع در مورد دنبال کردن سیاست‌های سخت علیه چین و ایران است؛ به خصوص که جنگ رژیم صهیونیستی و حماس (در اکتبر ۲۰۲۳)، ایالات متحده را به احتمال درگیری با تهران بسیار نزدیک کرده است» (David Miller, 2023).

«این‌دیک» بیان می‌دارد: «سخن‌گفتن درباره دور شدن از خاورمیانه بسیار آسان‌تر از انجام آن است. اگر ایران به پیشبرد برنامه هسته‌ای خود ادامه دهد، می‌تواند یک رقابت هسته‌ای یا حمله رژیم صهیونیستی به ایران کلید بخورد که ایالات متحده را به جنگ دیگری در خاورمیانه بکشانند. این منطقه به دلیل مرکزیت ژئواستراتژیک آن، که در تقاطع اروپا و آسیا قرار دارد، همچنان مهم است» (Nasr, 2022). «نیوزویک» در این خصوص می‌نویسد: «ایالات متحده از بدو تأسیس جمهوری اسلامی در ایران، هرگز اشتیاق خود را برای سرنگونی دولت شیعه مسلمان پنهان نکرده است؛ این رخداد نه تنها هیچ تضمینی برای استقرار صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه نخواهد داشت، بلکه بروز ناآرامی‌های داخلی یا هرگونه دخالت خارجی تأثیرگذار می‌تواند منتج به بازتولید دشمن خطرناک‌تری نظیر داعش و استیلای این گروه تروریستی در منطقه شود» (O'connor, 2019). بنابراین تداوم قابل توجهی در اولویت‌بندی ایالات متحده در میان شراکت‌های خود در خاورمیانه وجود دارد. اولین مورد این است که برای دولت‌های متوالی آمریکا، مشارکت برای مهار یک دشمن اصلی ضروری است. در طول جنگ سرد، دشمن اتحاد جماهیر شوروی بود؛ امروز ایران است (Dassa Kaye, and Other, 2021, pp. 21-25).

دومین درس آموخته راهبردی ایران از رقابت استراتژیک چین و آمریکا این است که واشنگتن برای تمرکز بر رقابت با پکن به دنبال نهایی کردن پرونده جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. گرچه تاکتیک‌های رؤسای جمهور آمریکا در این خصوص دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر بوده است، اما راهبردهای آن‌ها تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد و خصوصاً در دوران سه رئیس‌جمهور اخیر آمریکا و در دهه دوم هزاره جدید، نهایی کردن پرونده ایران همواره در دستور کار دولتمردان کاخ سفید قرار داشته است. بر همین اساس، تهران نیز به دنبال افزایش توانمندی‌های نظامی و سخت خود برای مقابله با تهدیدات دشمنان و خصوصاً غرب بوده است. در نهایت

می‌توان اظهار داشت که رقابت چین و آمریکا افزایش تنش‌های مقطعی بین تهران و واشنگتن را به دنبال داشته است.



## نتیجه‌گیری

رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین باعث چرخش استراتژیک آمریکا از غرب به شرق آسیا شده است. این رقابت استراتژیک از یک سو باعث کاهش حضور آمریکا در دیگر مناطق جهان شده است، و از سوی دیگر باعث تمرکز واشنگتن بر منطقه پاسیفیک گردیده است. بنابراین افزایش دائم قدرت و همچنین جلوگیری از قدرت‌یابی رقیب در دستورکار دولتمردان آمریکایی و چینی قرار دارد. در این حالت رقبای بزرگ جهانی تأمین امنیت را ملاک عمل و رویکرد خویش قرار نداده و به سمت افزایش قدرت تا سرحد ممکن پیش می‌روند.

مقامات آمریکایی می‌دانند که قرن پیش‌رو «قرن آسیا» است و هرکس بر منطقه هندو- پاسیفیک حکمرانی کند بر آسیا و در نهایت بر جهان حکمرانی خواهد کرد. بر همین اساس ایالات متحده برای حفظ جایگاه بین‌المللی و ابرقدرتی خود، به دنبال کاهش تعهدات فرا مرزی در بسیاری از مناطق جهان است. زیرا تعهدات فرا مرزی و مبارزه طولانی‌مدت با تروریسم در خاورمیانه و افغانستان، باعث کاهش فاصله قدرت واشنگتن و رقبای جهانی این کشور شده است.

بنابراین دولتمردان آمریکایی برای تمرکز بر موازنه و مقابله با چین از تعهدات خود در بسیاری از مناطق جهان همچون خاورمیانه و اروپا کاسته‌اند تا بر منطقه هندو- پاسیفیک تمرکز نمایند. از سوی دیگر آمریکا برای حفظ منافع خود در



مناطق مذکور سعی در برون‌سپاری اختیارات به متحدان منطقه‌ای خویش را دارد که این رویکرد رقابت‌های بی‌پایان منطقه‌ای و طولانی‌شدن دوران گذار منطقه‌ای در غرب آسیا را به دنبال خواهد داشت و باعث اتحادسازی و ائتلاف‌سازی و افزایش تنش‌های سینوسی و مقطعی بین تهران و رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. همچنین چرخش آمریکا به منطقه هندو- پاسیفیک باعث ایجاد شکاف در دو سوی آتلانتیک شده و آمریکا با اتحاد و ائتلاف‌سازی با متحدان منطقه‌ای خود در شرق آسیا، سعی در مهار چین با پیگیری سیاست «سد نفوذ» را دارد. درنهایت اینکه، گرچه یکی از مهم‌ترین دلایل چرخش استراتژیک آمریکا به منطقه پاسیفیک، جلوگیری از دوقطبی و یا چندقطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل است، اما بعد از طی شدن دوران گذار، احتمال شکل‌گیری ساختار دوقطبی بیش از هر ساختار دیگری است و رقابت استراتژیک چین و ایالات‌متحده اگر به جنگ نظامی منتهی نشود، جنگ سرد جدیدی را بین دو کشور برای چند دهه رقم خواهد زد.

## فهرست منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ آرایش، حسن (۱۴۰۱). *اعراب و انتخاب در شرایط موازنه تهدید؛ تهدید انگاری ایران و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی*، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۴، پیاپی ۵۶، زمستان ۱۴۰۱، صص ۳۶-۱.
- اسماعیلی، مصطفی؛ فراهانی، روح‌الله (۱۴۰۱). *پیامدهای امنیتی خروج آمریکا از افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران: با تأکید برگسترش تحرکات گروهک‌های تکفیری و تروریستی*، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۴، پیاپی ۵۶، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۳۹-۱۰۷.
- اسمیت، استیو؛ هدفیلد، امیلیا؛ دان، تیم (۱۳۹۵). *سیاست خارجی نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی*، مترجمین: امیرمحمد حاجی یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- کشوریان آزاد، محسن؛ میرترابی، سیدسعید (۱۴۰۱). *دولت بایدن و سیاست مهار خیزش قدرت چین در حوزه اقیانوس هند- آرام*، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و ششم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۵۴-۲۷.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۴). *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مرشایمر، جان (۱۳۹۶). *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ پنجم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶). *مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی*، تهران: انتشارات سمت.
- نجفی‌سیار، رحمان (۱۴۰۱). *ارزیابی راهبردهای جدید دریایی ایالات متحده آمریکا در برابر چین؛ مزیت‌ها و چالش‌ها*، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۳، پیاپی ۵۵، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۶۱-۲۲۸.
- والت، استفن (۱۴۰۰). *جهنم نیت خوب، نخبگان سیاست خارجی آمریکا و افول برتری ایالات متحده*، ترجمه: مهدی انصاری، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

## References

- Al-Rawahi, Sultan, (Jun/10/2020), “Regional power of the middle east”, From the Selected Works of Sultan Al-Rawahi, Sultan Qaboos University, Oman, at: <https://works.bepress.com/sultan-al-rawahi/7/>
- Beckley, Michael, (2022), “Enemies of My Enemy How Fear of China Is Forging a New World Order” at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2021-02-14/china-new-world-order-enemies-my-enemy>
- Campbell, Kurt, Doshi, Rush, (2021), “How America Can Shore Up Asian Order A Strategy for Restoring Balance and Legitimacy”, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-01-12/how-america-can-shore-asian-order>
- Carnelos, Marco, (Jun/24/2021), “How will US disengagement shape the Middle East?” at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/us-middle-east-disengagement-shape-how>
- Cook, Steven A, (Jul/20/2022), “Russia Still Has Willing Partners in the Middle East”, at: <https://foreignpolicy.com/2022/07/20/putin-meeting-iran-turkey-russia-middle-east-syria-ukraine/>
- Dassa Kaye, Dalia, Robinson, Linda, Martini, Jeffrey, Vest, Nathan, Rhoades, Ashley L. (2021), “REIMAGINING U.S.S. STRATEGY IN THE MIDDLE EAST Sustainable Partnerships, Strategic Investments” Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif. at: [https://www.rand.org/pubs/research\\_reports/RRA958-1.html](https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA958-1.html)
- David Miller, Aaron, (Nov/14/2023), “Biden Owns the Israel-Palestine Conflict Now” at: <https://foreignpolicy.com/2023/11/14/biden-support-israel-hamas-war-gaza-palestine-conflict-diplomacy-future-commitment/>
- Fukuyama, Francis, (2021), “The future of American power” at: <https://www.economist.com/by-invitation/2021/08/18/francis-fukuyama-on-the-end-of-american-hegemony>
- Hass, Ryan, (2021), “How China is responding to escalating strategic competition with the US” at: <https://www.brookings.edu/articles/how-china-is-responding-to-escalating-strategic-competition-with-the-us/>
- Hass, Richard, Kupchan, Charles A, (2021), “The New Concert of Powers, How to Prevent Catastrophe and Promote Stability in a Multipolar World” at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2021-03-23/new-concert-powers>
- Heer, Paul, (Oct/03/2021), “There Will Be a U.S.-China Cold War” at: <https://nationalinterest.org/feature/there-will-be-us-china-cold-war-194791>
- Herszenhorn, David, Cerulus, Laurens, (2021), “The Joe they don’t know: Europe reckons with Biden’s Asia push” at: <https://www.politico.eu/article/us-joe-biden-eu-reckons-asia-push/>
- Ignatius, David, (2023), “Biden’s unsentimental foreign policy strategy” at: <https://www.washingtonpost.com/opinions/2023/01/04/biden-foreign-policy-strategy-realism>
- Indyk, Martin, (Feb/14/2022), “The Price of Retrenchment What the Ukraine Crisis Reveals About the Post-American Middle East” at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2022-02-14/price-retrenchment>
- Kempe, Frederick and Massolo, Giampiero, (2019), “THE MENA

- REGION: A GREAT POWER COMPETITION”, ISPI and Atlantic Council, edited by Karim Mezran, Arturo Varvelli
- Kortunov, Andrey, (2021), “Meeting Security Challenges in the Gulf: Ideal Solutions and Practical Steps”, “STEPPING AWAY FROM THE ABYSS: A Gradual Approach Towards a New Security System in the Persian Gulf”, Edited by: Luigi Narbone & Abdolrasool Divsallar, European University Institute (EUI),
  - Mair, John and Packham, Colin, (Aug/07/2019), “NATO needs to address China’s rise, says Stoltenberg” at: <https://www.reuters.com/article/australia-nato-idUSKCN1UX0YX>
  - Mearsheimer, John J. (2014), “Can China Rise Peacefully?” at: <https://nationalinterest.org/commentary/can-china-rise-peacefully-10204>
  - Mearsheimer, John J., Stephen M. Walt (2016) “The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S. Grand Strategy”, Foreign Affairs, July/August 2016, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2016-06-13>
  - Muasher, Marwan, (Aug/26/2021), “Marwan Muasher on America’s declining influence in the Arab world” at: <https://www.economist.com/by-invitation/2021/08/26/marwan-muasher-on-americas-declining-influence-in-the-arab-world>
  - NATIONAL SECURITY STRATEGY, (2022), at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>
  - Nasr, Vali, (Jun/Feb 2022), “All Against All, The Sectarian Resurgence in the Post-American Middle East” at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2021-12-02/iran-middle-east-all-against-all>
  - Nasr, Vali, Fantappie, Maria, (2021), “How Iran and Saudi Arabia Can Together Bring Peace to the Middle East” at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2021-08-03/how-iran-and-saudi-arabia-can-together-bring-peace-middle-east>
  - Ney, Joseph s, (2021), “What Difference Did 9/11 Make?”, at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/20-years-after-9-11-lessons-for-america-by-joseph-s-nye-2021-09>
  - O’connor, Tom, (Dec/10/2019), “If Iran Falls, ISIS May Rise Again” at: <https://www.newsweek.com/if-iran-falls-isis-may-rise-1475818>
  - Pager, Tayler, Bertrand, Natasha, (2021), “White House shifts from Middle East quagmires to a showdown with China” at: <https://www.politico.com/news/2021/01/28/biden-china-foreign-policy-463674>
  - Rajagopalan, Rajeswari Pillai (2021), “Does AUKUS Augment or Diminish the Quad?”, at: <https://thediplomat.com/2021/09/does-aukus-augment-or-diminish-the-quad/>
  - Roach, Stephen, (Feb/10/2022), “China’s Triangulation Gambit” at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/china-new-marriage-of-convenience-with-russia-by-stephen-s-roach-2022-02?barrier=accesspaylog>
  - Rogin, Josh, (May/17/2017), “Trump to unveil plans for an ‘Arab NATO’ in Saudi Arabia”, at: [https://www.washingtonpost.com/news/josh-rogin/wp/2017/05/17/trump-to-unveil-plans-for-an-arab-nato-in-saudi-arabia/?utm\\_term=.b835b2e3ad14](https://www.washingtonpost.com/news/josh-rogin/wp/2017/05/17/trump-to-unveil-plans-for-an-arab-nato-in-saudi-arabia/?utm_term=.b835b2e3ad14)
  - Sanger, David, (Nov/16/2021), “Washington Hears Echoes of the ‘50s and Worries: Is This a Cold War With China?” at:

- <https://www.nytimes.com/2021/10/17/us/politics/china-new-cold-war.html>
- Scholz, Olaf, (Jan/Feb/2023), “How to Avoid a New Cold War in a Multipolar Era” at: <https://www.foreignaffairs.com/germany/olaf-scholz-global-zeitenwende-how-avoid-new-cold-war>
  - SIPRI, (April/24/2023), “World military expenditure reaches new record high as European spending surges” at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2023/world-military-expenditure-reaches-new-record-high-european-spending-surges>
  - Speers, David (2021), “The first meeting of the Quad could test Australia’s relationship with China”, at: <https://www.abc.net.au/news/2021-03-11/the-quadleaders-meeting-china-trade-test-relationship/13234080>
  - Stockman, Farah, (2021), “China Has Risen.’ And It Is Hungry for Competition, at: <https://www.nytimes.com/2021/06/30/opinion/china-us-competition.html>
  - Talia Ferro, J, (2000), “Security Seeking under Anarchy, Defensive Realism Revisited”, *International Security*, 25(3)
  - Tisdall, simon, (July/25/2021), “Biden races to unite allies against China knowing sooner or later an explosion will occur” at: <https://www.theguardian.com/world/commentisfree/2021/jul/25/an-explosion-is-coming-biden-races-to-unite-allies-against-china>
  - Vakil, Sanam and Quilliam, Neil, (2021), “Steps to enable Middle East regional security process” at: <https://www.chathamhouse.org/2021/04/steps-enable-middle-east-regional-security-process>
  - Wadhams, Nick, (June/15/2023), “Henry Kissinger’s Century: From US-China Tension to the Fate of Russia” at: <https://www.bloomberg.com/news/newsletters/2023-06-15/henry-kissinger-bloomberg-interview-on-us-china-conflict-putin-brexit>
  - Walt, Stephen M, (Oct/18/2023), “America Is a Root Cause of Israel and Palestine’s Latest War” at: <https://foreignpolicy.com/2023/10/18/america-root-cause-war-israel-gaza-palestine>
  - Walt, Stephen M, (2022), “The Ukraine War Doesn’t Change Everything” at: <https://foreignpolicy.com/2022/04/13/ukraine-war-realism-great-powers-unipolarity/>
  - Walt, Stephen, (2021), “Afghanistan Hasn’t Damaged U.S. Credibility” at: <https://foreignpolicy.com/2021/08/21/afghanistan-hasnt-damaged-u-s-credibility/>
  - Wehrey, Frederic and Sokolsky, Richard, (2015), “Imagining a New Security Order in the Persian Gulf,” *Carnegie Endowment for International Peace*.